

بحران‌های بنیادین انسانی

کد موضوعی: ۳۳۰

شماره مسلسل: ۱۵۸۲۹

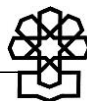
اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷

دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۳.....	بحران‌های بنیادین
۴.....	بحران انسانی، دینی، زندگی
۴.....	بحران تفکر، منطق و سیاست
۶.....	بحران آموزش، علم و فناوری
۶.....	بحران محیط زیست و خاک
۷.....	بحران اقتصاد، کار و بانکداری
۸.....	بحران حاکمیت و قانون
۱۰.....	بحران دولت، امنیت و رسانه
۱۲.....	بحران مفاهمه و تعامل
۱۲.....	آبرِ بحران‌ها
۱۳.....	نتیجه‌گیری
۱۵.....	منابع و مآخذ



بحران‌های بنیادین انسانی

چکیده

این گزارش با هدف احصای بحران‌های بنیادین و سیستمی جدید در جهان کنونی با رویکرد استقرایی و میدانی تهیه شده است. بحث مربوط به تبیین بحران‌های سیستمی که کاری سخت دشوار است، در گزارش بعدی دنبال می‌شود. نکته مهم، تنوع و دامنه فراخ بحران‌هاست که کار را برای تبیین دشوارتر کرده است. این بحران‌ها برای جامعه کنونی مشکلات چندجانبه‌ای ایجاد کردند که می‌توان در عرصه تفکر، علم و فناوری به لایه‌های مختلف آن اشاره کرد. ضمن اینکه توسعه انسانی را در عرصه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و جامعه تاحدودی مختل کرده است. با وجود این لازم است تعداد، سطوح و دامنه بحران‌ها و گسل‌ها کشف شده و متعاقب آن به تبیین لایه‌های مختلف بحران‌ها پرداخته شود.

مقدمه

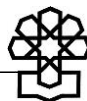
بحران‌های عمیق و پایدار انسانی به خودی جامعه انسانی را در روند تاریکی قرار می‌دهند و سد راه پیشرفت و توسعه انسانی می‌شوند. در بحران‌ها که متعاقب فعال شدن گسل‌ها ایجاد می‌شوند، خرده‌های سیاسی همراه با هوش واقعی و مصنوعی از گردونه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بیرون می‌روند و به کلی در چرخش سیاست‌های بنیادین به دلیل فرسایش

عقلانیت و منطق سیاست انسانی فراموش می‌شوند.

بحران‌های بنیادین نشانه‌هایی از گسل‌های بنیادین در عرصه حکمرانی به‌شمار می‌روند. این گسل‌ها ناشی از شکاف‌های عمیق اجتماعی و سرمایه از دست رفته انسانی و اجتماعی هستند. با وجود این در سازمان کشورداری کشف بحران‌ها، گسل‌ها و حساس شدن به روند شکل‌گیری‌ها و توسعه آنها برای تجزیه و تحلیل روندها و پتانسیلی که در آنها وجود دارد موجب برون‌رفت کشور از لغزش‌های عمیق و پایدار در حوزه انسانی می‌شود. در این صورت بحران‌ها با عناصر بنیادین حیات انسانی یک کشور سروکار دارند و اگر به‌موقع شناسایی و مرتفع نشوند، ممکن است بنیاد حیات یک جامعه سیاسی و انسانی را دچار مشکلات اساسی کنند که در نتیجه راه فراری از آن نباشد.

گسل‌ها، بحران‌ها و چالش‌ها ساختار و ماهیت هوشمند دارند و با توجه روشمند رگه‌های عمیق حیات جامعه سیاسی را می‌میرانند. اگر در جامعه انسانی به هر دلیلی مغز حیات گسل‌ها، بحران‌ها و چالش‌ها شناخته نشود، در آن صورت کشور بیماری رو به مرگ خواهد شد که نجاتش در فضای بحرانی ناممکن است.

در این موقعیت بحران انسانی واقعیتی پیچیده و دشوار است که بر حقیقت ساده سخت گرفته و آن را در آستانه نابودی یا تردید همه‌جانبه قرار داده است. این بحران زمانی دیده می‌شود که شکست گسل‌ها در اعماق نفوذ کرده و در آستانه وقوع باشد. فهم این بحران درگرو داشتن درک روشن از حقیقت، واقعیت و روندهاست. این فهم موجب می‌شود که تفکر در روندها صورت گیرد تا با اصلاح روندها، واقعیت سیاست‌ها رنگ‌وبوی حقیقت‌ها را پیدا کنند. البته دیگر تعاریفی که از بحران‌ها وجود دارند، ناظر به کارکرد بحران‌ها هستند که بیشتر به عدم تعادل‌ها و پدیداری تهدیدها و نیز چرخش رویدادهای



غیرمنتظره مربوط می‌شوند. با این تلقی بحران نوعی از سرگستگی و سردرگمی در تفکر بنیادین و نیز در اداره امور یک کشور سیال و منعطف است.

با این حال لازم است احصای اولیه در خصوص بحران‌های بنیادین انسانی و سیستمی انجام شود تا راه ورودی در اصلاح جامعه انسانی در چرخش بحران‌ها با گسست‌ها صورت گیرد. با درک این ضرورت در گزارش بعدی به تبیین بحران‌های بنیادین جامعه انسانی در لایه‌های مختلف حکومتی می‌پردازیم تا شاید راه برون‌رفتی از گسل‌ها، بحران‌ها و چالش‌های اساسی پیدا شود.^۱

به هر صورت بحران‌های بنیادین انسانی در هر کشوری به‌نحوی حاضرند و چنان نیست که همه این بحران‌ها در یک کشور سایه انداخته باشند یا کشوری باشد که هیچ‌یک از این بحران‌ها را نداشته باشد. با وجود این لازم است به بحران‌های بنیادین انسانی از نوع سیاستی که از گسل‌ها پدیدار شده‌اند توجه ویژه شود تا به اصلاح و تقویت نظام حکمرانی جهانی کمک کند.

بحران‌های بنیادین

اکنون بحران انسانی در راه است. این بحران‌ها در زوایای مختلف، بنیاد انسان را نشانه گرفته‌اند و ممکن است همه موجودیت او را به خطر بیندازند. بحران‌های بنیادین انسانی در جامعه سیاسی چندگانه‌اند که به شرح ذیل بخش‌هایی از آنها ارائه می‌شوند:^۲

۱. این گزارش به‌عنوان یک سیاست پیش‌دستانه در امر کشورداری براساس واقعیت‌های امروزی طراحی شده و نگاه ماهوی به اصلاح کشورها براساس سیطره بر بحران‌های بنیادین دارد.

۲. بحران‌های ناشی از شکست گسل‌ها چندجانبه هستند و هر جانی ممکن است در کشوری لنگر انداخته باشد. با این حال نه همه بحران‌ها در یک کشور وجود دارند و نه کشوری عاری از تمامی این بحران‌هاست.

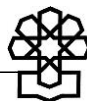
بحران انسانی، دینی، زندگی

۱. بحران انسانی و به‌ویژه بحران انسان سیاسی و سیاستی در چرخش گسل‌ها و چالش‌های حکمرانی.
۲. بحران وجدان انسانی و ناامیدی از روند آینده انسانی در حوزه‌های متفاوت حاکمیتی و حکومتی.
۳. بحران انسانی و چالش‌های عمیق سلامت ملی در جسم و روان و نیز فقر آگاهی در به‌کارگیری عامل‌های هوشمند انسانی در امر سلامت جسمانی و نفسانی.
۴. بحران توسعه انسانی از نوع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تبدیل شدن آن به پدیده ضدتوسعه در جامعه کنونی.
۵. بحران مسائل کلان انسانی جدید و پدیده چالش‌های بزرگ میان‌نسلی با گسست نسل‌ها.
۶. بحران سبک تفکر زندگی و لزوم احیای عامل‌های عقلانی در فرآیند حیات فردی و اجتماعی.
۷. بحران الگوی خانواده و پدیداری حالتی از سرگردانی در عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری.
۸. بحران تحولات دینداری در میان ادیان مختلف در لایه‌های متفاوت اجتماعی.
۹. بحران ملی-مذهبی و گسل باورها براساس شکاف عقیده‌ها و فروریزی منطق حیات انسانی.
۱۰. بحران اخلاق انسانی-ملی، فرسایش منطق انسانی و بی‌مبالاتی امنیت روانی در جامعه انسانی.^۱

بحران تفکر، منطق و سیاست

۱. بحران تفکر خلاق کارآمد، شکل‌گیری علوم ناپیوسته به تفکر تکنولوژی و نیز فناوری توسعه‌نیافته نوین.

۱. در کتاب «بحران انسانی» برخی از مسائل اساسی انسان را می‌توان ریشه‌یابی کرد.



۲. بحران عمیق منطق فکر، منطق علم، منطق فناوری^۱ و به‌ویژه سیاست‌های بنیادین آموزش، پژوهش و قانون فنی در سازمان حکمرانی.
۳. بحران تفکر خلاق انسانی و منطق عملی حیات جمعی در برنامه‌های کلان توسعه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.^۲
۴. بحران منطق سیاستی، تصمیم‌سازی عقلانی، تصمیم‌گیری عملیاتی و فساد سیستمی در لایه‌های مختلف حکمرانی و سازمان‌های جهانی.
۵. بحران بی‌تفاوتی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، سرمایه اجتماعی و لغزش بازستانی اعتماد عمومی.
۶. بحران سیاست‌سازی و شکل‌گیری روندی از سیاست‌سوزی در چارچوب حاکمیت ملی، منطقه‌ای و جهانی.
۷. بحران سیاست داخلی و خارجی و نیز فقر تفکر کانونی با رویکرد آینده‌نگری، آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری مبتنی بر منطق روندها.
۸. بحران استراتژی قدرت سیال و منعطف در حوزه سیاست بنیادین، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و دفاع ملی با روندی از الگوی انسانی طبق منطق امروزی.
۹. بحران منطق تفکر، منطق زبان و سیاست پایدار هویت ملی همراه با قومی، سیاسی، فرهنگی و زبانی.
۱۰. بحران اندیشه احزاب و گسل مشارکت اجتماعی و ضرورت تفکر بنیادین در نوسازی دولت و حاکمیت ملی و بین‌المللی.

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند جامع علمی کشور، فصل سوم.

۲. یونس ادیان، ایده انسان سیاسی، ص ۸۰.

بحران آموزش، علم و فناوری

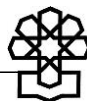
۱. بحران فرسایش ذهن و مغز و در نتیجه مسخ شدن ماهیت ذهن و مغز.
۲. بحران فرهنگ آموزش، پژوهش و رسوخ بیماری طاعون‌گونه ضدفرهنگ در عناصر تشکیل‌دهنده هریک.^۱
۳. بحران باسوادی و دانایی خمیده و نیز سواد عمومی و رویگردانی از منطق خرد و بی‌توجهی از تعلیم روش دانایی و دور ماندن از به‌کارگیری خرد انسانی همراه با ذهن و مغز.
۴. بحران سواد واقعی و مصنوعی و طرح همه‌چیزدانی در سوادگاه‌های دانشگاهی، پژوهشگاهی، دیجیتالی و رسانه جمعی.
۵. بحران منطق آموزش، منطق علم، منطق فناوری همراه با سناریوسازی و روندپژوهی.
۶. بحران اساسی دانشگاه، دانشکده، سوادگاه، سوادکده، اندیشگاه، اندیشکده، حوزه و حاکمیت سواد آموزشی بر منطق فکر، علم و فناوری.
۷. بحران تدبیر دانش و فناوری اطلاعات و دور ماندن از مدیریت فضای مجازی براساس عامل‌های هوشمند با رویکرد انسانی.^۲
۸. بحران جامعه اطلاعات به‌لحاظ ناآشنایی با اندیشه عمومی، مدیریتی، وارونه‌نگری و در نتیجه پدیداری حالتی از سرگردانی در فهم و بازطراحی روندها.

بحران محیط زیست و خاک

۱. بحران منابع آب، خاک، جنگل و ضرورت شکل‌گیری اصلاح مصرف و پیامدهای آن و

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ص ۲۴.

۲. عبدالمجید ریاضی، نظام جامع فناوری اطلاعات، ص ۶.



نیز چالش‌های بزرگ تدبیر و مدیریت آبی و خاکی در جهان امروز.

۲. بحران حیات معقول و محسوس و تهدید همه‌جانبه زیستی و نیز فقر مدیریت زیست‌محیطی و پدیداری سوء‌تدبیر و مدیریت فرسایشی منابع ملی پایدار و در نتیجه مسخ شدن دو حیات انسانی.

۳. بحران دانش، تدبیر، مدیریت و حراست از محیط زیست ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و جریان روزانه ریزگردهای مرگ‌آور و آلودگی هوای شهرهای بزرگ و سرگردانی همه‌جانبه مجریان در مدیریت بحران‌های عمومی جامعه انسانی.

۴. بحران تحول آب و هوایی در جهان جدید و به وجود آمدن گسل‌های اجتماعی فراگیر در روند عمومی جامعه انسانی و پدیداری فقر تدبیر هوشمند در سامانه ملی و جهانی.^۱

بحران اقتصاد، کار و بانکداری

۱. بحران تفکر اقتصاد ملی،^۲ رکود اندیشه اقتصادی و فرآیند توسعه اقتصادی، فقر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و نیز پیدایش سیستمی قاچاق اقتصادی از نوع دولتی و خصوصی در جهان سوم.

۲. بحران ساختار و شکل‌گیری اقتصاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پایدار به‌مثابه یک واقعیت عمومی در حوزه انسانی.

۳. بحران نَفَس‌گیر ماجراهای اندیشه اقتصاد کشاورزی، صنعتی و تکنولوژی و عدم فهم ادبیات اولیه هر یک.

۱. به تعبیر نویسندگان کتاب «اتاق بحران» ما به اندیشه بحران یا اتاق اندیشه و کانون تفکر نیاز داریم.

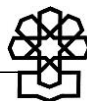
۲. منطق بنیادین فکر، ص ۵۰۷.

۴. بحران فکر انرژی، دانش انرژی و فناوری مدیریت انرژی و عامل‌های پایدار انرژی هوشمند.
۵. بحران بودجه‌ریزی ملی براساس سامانه سنتی و دور ماندن از بودجه‌ریزی هوشمند به‌مثابه یک واقعیت انسانی و عدم طراحی بودجه‌ریزی ملی براساس واقعیت‌ها و مناسبات بومی و بسنده کردن به تقسیم یک بودجه سالیانه.
۶. بحران کسب‌وکار و بیکاری و نیز پیدایش دنیای جدید فقر و غنا و نیز دامن زدن به فقر عمومی و نابرابری و نیز غلبه فعالیت‌های اقتصاد نامولد بر مولد و ضرورت بازسازی آن در جامعه سیاسی.
۷. بحران قانون توسعه‌نیافته کار و مواجهه نامعقول دوجانبه کارگر با کارفرما و عدم شکل‌گیری مفاهمه و تعامل منطقی پایدار در جامعه کارگری و کارفرمایی.
۸. بحران اندیشه توسعه‌نیافتگی در جهان سوم و فقر سرمایه‌گذاری و سرمایه ملی وجدان کار در حوزه انسانی.
۹. بحران تفکر بانکی و عملیات بانکداری ملی و فقر منطق بانکداری انسانی در چهار سوی هویت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.
۱۰. بحران اندیشه بانکداری اسلامی و دور ماندن از تفکر اصیل بانکی و فقر منطق بانکداری و نیز چرخه هویت اسلامی - مالی.^۱

بحران حاکمیت و قانون

۱. بحران قانونگذاری و قانون و نیز سیطره فرآیند حقوق بر منطق قانون و ناکارایی قانون

۱. به گفته برایان تریسی در کتاب «بحران مدیریت» این پدیده اکنون فراگیر شده است.



متداول غیر فنی در فرآیند اجرایی و قضایی.

۲. بحران قانون فنی ملی و شهروندی و عدم گشودن پیچ‌ومهره‌های قانون ملی و جهانی در روند اجرایی و قضایی.^۱

۳. بحران تعدد قانونگذاری و سیاستگذاری در کشورها و نیز فقر حاکمیت منطق واحد قانونگذاری و اثربخشی در منطق قانون.

۴. بحران روش به‌کارگیری هوش مصنوعی در امر قانونگذاری فنی، اعمال فنی قانون و داوری در امر قانون فنی.

۵. بحران خمیدگی و توسعه‌نیافتگی قانون سیاسی در روند کلان سیاست‌های بنیادین و نیز اقتصاد ملی و روابط بین‌الملل.

۶. بحران انتخاب انسانی و عامل‌های انتخاب هوشمند در مدیریت شهری، جهانی و ملی.

۷. بحران تفکر حاکمیت جهانی و پایین بودن ظرفیت تحمل ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای تدبیر در چگونگی اداره امور جامعه انسانی.

۸. بحران تدبیر حکمرانی در چرخش قوای سه‌گانه و نفوذ فساد مدیریتی در لایه‌های مختلف جامعه سیاسی در جهان جدید.

۹. بحران تفکر حکومتی در چرخش اندیشه‌های حکمرانی در جهان امروز.

۱۰. بحران فن حکمرانی و سیطره حکمرانی خوب با منطق سوسیالیزه شده و نیز حکمرانی آرمانی و اخلاق عمومی بر فرآیند فن‌کشورداری.

۱۱. بحران پدیده همانندی بحران‌ها و همزمانی آنها در نظام حکمرانی.

۱۲. بحران فقر تصمیم بزرگ و سخت انسانی برای عبور از پیچ بحران‌های جهانی.

بحران دولت، امنیت و رسانه

۱. بحران دولت عقل، شکل‌گیری گسل دولت ملی و بین‌المللی براساس شکاف انسانی و جریان فقر اندیشه دولتی همراه با اندیشیدن در حوزه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای توسعه انسانی در روند حکومت جهانی.

۲. بحران پیری دولت و کهنسالی عامل‌های دولتی در جهان و بازطراحی دولت عقل ملی و عدم استفاده از ظرفیت مغزهای جهانی.

۳. بحران دولت تسخیر شده و چرخش استفاده بیشتری بر کمتری یا کمتری بر بیشتری.

۴. بحران مدیریت هوشمند در امور وزارتخانه‌ها، کلان‌شهرها و سازمان‌های بزرگ جهانی همراه با دولت الکترونیک و شکل‌گیری گسل آرمان‌ها و واقعیت‌ها.^۱

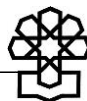
۵. بحران سیطره سواد مدیریتی بر روند فکر، علم و فناوری در مدیریت کشورداری و شکل‌گیری فقر تدبیر ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.

۶. بحران توسعه گردشگری و فقر همزمان سیاست‌ها، برنامه‌ها و تدبیر مدیریتی با توجه به مناسبات انسانی.

۷. بحران اندیشه امنیت نرم و سخت و به‌خصوص بحران هوش مصنوعی و واقعی و ناشناخته بودن و از گردونه بیرون رفتن هوش واقعی در امر کشورداری جهان جدید.

۸. بحران گسترده حاشیه‌نشینی شهری و تهدید جدی بی‌خانمانی در حوزه عمومی و

۱. معاونت نوسازی و تحول اداری، نقشه جامع دولت الکترونیک، ص ۱۵.



نادیده گرفتن این بخش از جامعه انسانی.

۹. بحران همگانی شدنِ چرخش مواد مخدر در جهان جدید و چالش فقر تدبیر و افزوده شدنِ دامنه کویپر وجدان انسانی.

۱۰. بحران مدیریت تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی و تهدید امنیت انسانی و نیز ترک برداشتن سرمایه اجتماعی.

۱۱. بحران دشوار بهداشت، درمان و دارو و همراه شدنش با سوءتدبیر در سلامت انسانی و مدیریت بهداشتی و درمانی در ابعاد مختلف انسانی.

۱۲. بحران سنتی ماندنِ ناوگان حمل‌ونقل عمومی کشور و دور ماندن از چرخش علم و فناوری حمل‌ونقل و سرگردانی مدیریتی.

۱۳. بحران شهرسازی با سه رویکرد سنگی، آرمانی و انسانی براساس الگوی انسان سیاسی و دور ماندن از شهر انسانی براساس انسان شهری در فضای جامعه امروز.

۱۴. بحران اساسی مسکن، حیات اجتماعی و فرهنگی در نظام کشورداری امروز.

۱۵. بحران رسانه‌ای از نوع دیداری، شنیداری و نوشتاری و فقر حاضر شدن خرد در رسانه ملی و شکل‌گیری رسانه خصوصی با منطق رسانه‌ای و گسل رسانه‌های جهانی.

۱۶. بحران مشاوران دولتی، جامعه مدنی، رویکرد گفتمانی و شکل‌گیری جریان مشارکتی و مدیریت و تدبیر در امور کشورداری با توجه به نیازهای جامعه امروز جهانی.

۱۷. بحران اصلاح‌ناپذیری سازمان حکمرانی به‌لحاظ سیطره فساد حکومتی و جریان پدیده‌ای از بحران‌های حل‌ناشده و نیز چرخش بحران‌های در آستانه وقوع.

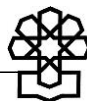
بحران مفاهمه و تعامل

۱. بحران مفاهمه عقلانی درون حاکمیتی در مسائل کلان امنیت جهانی، نظم جهانی، سیاست جهانی، اجتماع جهانی، فرهنگ جهانی، اقتصاد جهانی و نیز سرمایه اجتماعی از دست رفته انسانی.
۲. بحران فرار مغزها و فقر مفاهمه فکری، علمی و فناوری با جهان کنونی در جهان سوم.
۳. بحران مفاهمه انسانی، چرخش منطق وجودی و عقلانیت فعال اجتماعی و فرهنگی پایدار در حوزه انسانی.
۴. بحران تعاملات جهانی و نبود منطق واحد تصمیم‌گیری براساس جامعه اطلاعات و دانایی‌محور.
۵. بحران تقابل‌های جهانی بجای تقویت تعامل انسانی و مفاهمه سیاست‌های بنیادین براساس مقتضیات و مناسبات انسانی امروز.
۶. بحران مفاهمه و گفتگو و شکل‌گیری پدیده پیشاگفتگویی در دیالوگ‌های جهانی.

آبربحران‌ها

آبربحران‌ها واقعیت‌های مهم عصر ما به حساب می‌آیند که در این قرن اتفاق افتاده‌اند. به‌طوری که بحران سیاست آبی یا سیاست لابی و سیاست توسعه‌ای از فاجعه‌های بزرگ این قرن به‌شمار می‌روند. اگر در حال حاضر سیاستمداری این بحران‌ها را نشناسد و فاقد سیاست و برنامه دقیق علمی برای برون‌رفت از این بحران‌ها باشد، او سرگردان از سیاست‌های امروزی و منطق سیاست انسانی است.

آبربحران‌ها ریشه در گسل‌های بزرگ انسانی دارند. اکنون پاره‌ای از گسل‌ها فعال شدند



که بحران‌ها و چالش‌های بزرگ را به وجود آوردند و در نتیجه به آبربحران‌ها در جامعه انسانی دامن زدند. با این حال به چند آبربحران ملی و جهانی به اجمال اشاره می‌شود:

۱. بحران سیاست آب و خاک و شکل‌گیری جابجایی جمعیت در قاره‌ها و کشورها.
 ۲. بحران سیاست لابی و وانهادگی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی.
 ۳. بحران سیاست مدیریتی در چرخش مسئولیت‌های حکمرانی.
 ۴. بحران سیاست پولی و مالی و نابرابری ثروت و درآمد در روند توسعه اقتصادی.
 ۵. بحران منطق سیاست و فکر سیاستی در چرخه آینده‌نگری برای توسعه ملی.
- با این وصف به نظر می‌رسد که رویکرد مفاهمه‌ای و تعامل انسانی اصل اول در توسعه سیاست‌هاست که آن استفاده از هوش مصنوعی را در برون‌رفت از بحران‌ها طلب می‌کند. در این راهبرد لازم است نگاهی معطوف به آینده از روندپژوهی آینده داشت^۱ که آن اعمال اراده معطوف به فکر، منطق و سیاست را ضروری می‌داند تا مدیریت بحران‌ها، گسل‌ها و چالش‌ها طبق مقتضیات و مناسبات انسانی صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

این گزارش به چند محور مشخص در بحران‌ها در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی توجه کرده است. عمده دغدغه آن به انسان سیاسی، فرآیندهای انسانی و توسعه انسانی در امر حکمرانی معطوف بوده است.

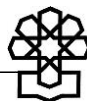
در این گزارش تصریح شده که انسان موضوع اصلی گسل‌ها، بحران‌ها و چالش‌ها در

۱. سیدیونس ادیانی، تفکر در روند آینده، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۷۸۰.

جامعه سیاسی و نظام حکمرانی است. اگر در هر کشور بحرانی رخ دهد، بیش از هر چیز ناظر به واقعیت‌های انسانی است. با این حال اگر در گسل‌ها، بحران‌ها و چالش‌ها به انسان نگریسته نشود، توسعه انسانی تصویری وهم‌آلود است.

بر این اساس با محوریت انسان سیاسی به مسئله تفکر، منطق و سیاست انسانی از یکسو و از سوی دیگر علم و پژوهش همراه با فرهنگ و آموزش توجه شده است. نکته دیگر مسئله انتخاب انسانی بوده که آن محور همه تلاش‌ها در حوزه حاکمیت، قانون و اقتصاد است. شاید یکی از نکات مهم مسئله مفاهمه و تعاملات انسانی و بین‌المللی است که تاکنون مورد توجه کمتر هوشی قرار گرفته است.

ضمن اینکه توجه به مسئله آبربحران‌ها در سیاست‌های آبی و لابی سیاست‌ها و نیز اقتصاد ملی و مفاهمه بین‌المللی از دیگر نکات قابل تأمل این گزارش بوده است.



منابع و مأخذ

۱. ادیانی، یونس. ایده انسان سیاسی، انتشارات نقش جهان، ۱۳۹۶.
۲. ادیانی، یونس. فن حکمرانی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۶۶۳، ۱۳۹۶.
۳. ترسی، بریایان. بحران مدیریت، ترجمه فاطمه‌سادات صادقی، انتشارات نسیم ظهور، ۱۳۹۱.
۴. جروم سی گلن، تئودور جی گوردن. دانشنامه بزرگ روش‌های آینده‌پژوهی، ج ۱ و ۲، ترجمه مرضیه کیقبادی، فرخنده ملک‌فر، نشر تیسرا، ۱۳۹۳.
۵. خوسه ارتگا ای گاست. بحران انسانی، ترجمه احمد تدین، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
۶. ریاضی، عبدالمجید. نظام جامع فناوری اطلاعات کشور، ۱۳۸۶.
۷. شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند جامع علمی کشور، ۱۳۸۹.
۸. مجموعه نویسندگان، اتاق بحران، انتشارات رویان‌پژوه، ۱۳۹۵.
۹. مجموعه نویسندگان، کانون تفکر جهان، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵.
۱۰. معاونت نوسازی و تحول اداری امور توسعه دولت الکترونیک، نقشه جامع دولت الکترونیک جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۴-۱۳۹۰) سال نشر ۱۳۹۰.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۸۲۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بحران‌های بنیادین انسانی

نام دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: سیدیونس ادیانی

ناظر علمی: —

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. بحران سیستمی، ۲. بحران انسانی، ۳. بحران فکری، ۴. بحران منطقی، ۵. بحران سیاسی،
۶. بحران علمی، ۷. بحران آموزشی، ۸. بحران فناوری، ۹. بحران فرهنگی، ۱۰. بحران
- اقتصادی، ۱۱. بحران زیست‌محیطی، ۱۲. بحران حاکمیتی، ۱۳. بحران قانونی، ۱۴. بحران
- اخلاقی، ۱۵. بحران ملی، ۱۶. بحران هویتی، ۱۷. بحران مفاهمه و تعاملی، ۱۸. آبرو بحران‌ها



تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۲/۸